

بررسی ماهیت و ابعاد «عمل متقابل» در قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی

مهدی حدادی^۱، علی احدی کرنق^۲

۱. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰)

چکیده

قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ و در واکنش به نقض مصونیت دولت ایران در دادگاه‌های کشورهای دیگر به تصویب رسید. به عقیده نگارندگان، ماهیت «عمل متقابل» مذکور در این قانون اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل است. از جمله آثار شناسایی حق اتخاذ اقدامات متقابل، که واکنشی بین‌المللی است، ایجاب می‌کند دادگاه‌های داخلی شروط حاکم بر اتخاذ این اقدامات را رعایت نمایند. در این مقاله، ضمن بررسی شرایط اقدامات متقابل طبق موازین حقوق بین‌الملل، ابعاد آن در قانون مذکور بررسی خواهد شد.

کلیدواژگان

اقدام متقابل، عمل متقابل، قانون صلاحیت دادگستری.

مقدمه

دادگاه منطقه کلمبیای ایالات متحده، در دعوی فلاتو علیه جمهوری اسلامی ایران، پس از احراز صلاحیت خویش در چارچوب اصلاحیه ۱۹۹۶ قانون مصونیت‌های دولت‌های خارجی ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به بهانه حمایت از تروریسم به پرداخت خسارت ۲۴۷/۵ میلیون دلاری محکوم کرد.

در واکنش به این اقدام، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ با تصویب ماده واحد «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» به اتباع ایرانی اجازه دادند، علیه اقدامات و فعالیت‌های دولت آمریکا در حمایت از اعمال اشخاص و گروه‌های تروریستی و همچنین اعمال آن دولت که مغایر با حقوق بین‌الملل است، در محاکم داخلی ایران، طرح دعوا کنند تا به این طریق به اقدام آشکار دولت آمریکا در نقض مصونیت دولت ایران، پاسخ مناسبی داده باشند.

طبق ماده یک قانون صلاحیت دادگستری مصوب ۱۳۹۰ قانون‌گذار ایران این حق را به خود اختصاص داد تا بتواند مصونیت کشور ناقض مصونیت ایران را بر اساس عمل متقابل و طبق موازین حقوق بین‌الملل نادیده بگیرد. بررسی رعایت شرایط عمل متقابل در حقوق بین‌الملل برای پیشگیری از بروز مسئولیت بین‌المللی ایران در اتخاذ این اقدامات ضروری است.

در پژوهش حاضر که به طریق بررسی کتابخانه‌ای است، ابتدا به بررسی ماهیت عمل متقابل مذکور در قانون صلاحیت دادگستری خواهیم پرداخت و خواهیم دید منظور تدوین‌کنندگان قانون از عمل متقابل همان اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل است که در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها گنجانده شده است. به منظور اتخاذ اقدامات متقابل در مقابل نقض مصونیت لازم است ایران خود به قاعده مصونیت دولت پایبند باشد، شروط حاکم بر اقدامات متقابل را در نظر بگیرد و در نهایت ابعاد این اقدامات طبق قانون صلاحیت دادگستری ارزیابی شود.

ماهیت «عمل متقابل» ذکرشده در قانون صلاحیت دادگستری

پیش از ورود به بحث، باید «عمل متقابل» و «اقدام متقابل» را از هم تفکیک کرد. عمل متقابل^۱، در معنای عام خود «ناظر بر روابط بین دو دولت است، بدین گونه که هریک امتیازاتی را به اتباع دیگری می‌دهد؛ به شرطی که اتباع خود او نیز از این امتیازات بهره‌مند شوند» (Campbell, 1990, p.1270). عمل متقابل در این مفهوم، همان شرط رفتار متقابل در حقوق بین‌الملل خصوصی است که خود سه گونه است: ۱. رفتار متقابل سیاسی؛ ۲. رفتار متقابل قانونگذاری؛ ۳. رفتار متقابل عملی (نصیری، ۱۳۷۲، صص ۹۲-۹۴).

اقدام متقابل^۲ متضمن رفتاری است که با تخطی از یک تعهد صورت می‌گیرد، اما به‌عنوان واکنش ضروری و متناسب در برابر فعل متخلفانه بین‌المللی دولتی که این اقدامات علیه آن صورت می‌گیرد قابل توجیه است (ILC reports, 2001, p. 128).

از این رو عمل متقابل و اقدام متقابل نسبت عموم و خصوص مطلق دارند. به این معنا که هر اقدام متقابلی نوعی عمل متقابل است ولی هر عمل متقابل لزوماً اقدام متقابل نیست. بلکه اقدام متقابل طبق طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها دارای شرایط خاص خود است.

قانونگذار ایران در مواد مختلف قانون صلاحیت دادگستری (مواد ۱، ۴، ۷ و ۸) از عمل متقابل سخن گفته است. سؤال این است که «منظور قانونگذار کدام قسم از این دو اقدام است؟»

وضع این قانون از سال ۱۳۷۸ مطرح شد. ایالات متحده آمریکا، به قانون مصونیت‌های دولت‌های خارجی خود، اصلاحیه‌ای با عنوان «دولت‌های حامی تروریسم»^۳ وارد کرد که، به موجب آن، بارها مجوز نقض مصونیت دولت ایران را، که یکی از قواعد مسلم حقوق بین‌الملل عرفی است، صادر کرد. مجلس ایران نیز در پاسخ به آن «قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» را تصویب کرد. تردیدی نیست که عنصر نقض مقررات حقوق بین‌الملل توسط دولت خارجی (آمریکا) محرز است. قانونگذار ایران نیز هدف این قانون را

1. Reciprocity

2. Countermeasure

3. Foreign Sovereign Immunities Act, Article 1605 (A) (a) (1).

مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازن حقوق بین‌الملل، یعنی وادار کردن دولت خارجی به رعایت این مقررات، اعلام کرده است.^۱

با توجه به اینکه در حقوق بین‌الملل، راهکار قانونی نیل به این هدف رعایت شرایط اقدامات متقابل، بر مبنای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت در سال ۲۰۰۱^۲ است، می‌توان نتیجه گرفت که مراد قانونگذار، از عمل متقابل، اقدامات متقابل مذکور در فصل دوم طرح مسئولیت بین‌المللی دولت است، چون اقدامات متقابل در پاسخ به فعل متخلفانه بین‌المللی اتخاذ می‌شود. (ILC reports, 2001, p. 128, para.2) از منظر «قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی»، آن دسته از «... اقدامات دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی دولت جمهوری اسلامی ایران و یا مقامات رسمی آن را نقض نمایند...» نقض مقررات حقوق بین‌الملل و در واقع همان فعل متخلفانه بین‌المللی است که این قانون در مقابل آن به تصویب رسیده است. لذا، برای انجام اقدام متقابل، دولتی که این اقدامات را انجام می‌دهد خود باید به آن قاعده ملتزم باشد.

التزام دولت ایران به قاعده مصونیت دولت

قانونگذار ایران، تصویب قانون صلاحیت دادگستری را نوعی اقدام متقابل در پاسخ به نقض تعهد دیگر دولت‌ها می‌داند. از منظر وی، رعایت مصونیت دولت‌ها یک تعهد بین‌المللی است که هر دولت خود را به آن متعهد می‌داند. زیرا اقدامات متقابل متضمن تخطی از تعهدی بین‌المللی است؛ اما به‌عنوان واکنش ضروری و متناسب در برابر فعل متخلفانه بین‌المللی دولتی که این اقدامات علیه آن صورت می‌گیرد قابل توجیه است (ILC reports, 2001, p. 128, para.4). مفهوم مخالف ماده یک قانون مزبور این است که مصونیت دولت‌هایی که مصونیت ایران را نقض نمی‌کنند، معتبر است. یعنی قانونگذار ایران بر این باور است که نقض مصونیت قضایی و اجرایی موجب نقض مقررات حقوق بین‌الملل خواهد شد (ظاهری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱).

گواه دیگر التزام دولت ایران به قاعده مصونیت دولت، پیوستن به کنوانسیون مصونیت قضایی

۱. ماده یک قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۳۹۰.

2. Draft articles on Responsibility of State for Internationally Wrongful Acts, International Law Commission, 2001.

دولت‌ها و اموال آن‌ها و تصویب آن در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۸ است که با این اقدام، عزم خود را در به رسمیت شناختن و احترام به مصونیت دولت‌ها ابراز کرده است.

آثار اقدام متقابل و رعایت شروط حاکم بر اقدامات متقابل در قانون صلاحیت دادگستری

تصویب قانون صلاحیت دادگستری، در راستای اتخاذ اقدامات متقابل علیه دولت‌هایی که مصونیت جمهوری اسلامی ایران را نقض می‌کنند، دارای آثاری است؛ از جمله آن آثار لزوم رعایت شروط حاکم بر اتخاذ اقدامات متقابل است؛ چراکه این اقدامات، واکنش بین‌المللی نهادهای دولتی (دادگاه‌های داخلی) است و، با توجه به انتساب این اقدامات به دولت، آثار خاص خود را در حقوق بین‌الملل دارند.

مصونیت دولت، یکی از قواعد مسلم حقوق بین‌الملل عرفی است (Bankas, 2008, pp. 28-31) و سلب آن به کشورهای دیگر، حق اقدام متقابل مقتضی می‌دهد. قانونگذار ایران با تصویب این قانون سعی در اتخاذ اقدام مقتضی در برابر کشورهای دارد که مصونیت قضایی ایران را سلب می‌کنند.^۱ اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل باید با توجه به شروط خاص خود صورت گیرد.

شروط توسل به اقدامات متقابل

پس از احراز نقض تعهد برای انجام اقدامات متقابل، لازم است: ۱. از کشور متخلف درخواست شود نقض را متوقف و خسارات وارده را جبران کند (ILC reports, 2001, art. 52, 1 (b)); ۲. توسل به اقدام متقابل را به دولت متخلف اطلاع داده و پیشنهاد مذاکره کند (ILC reports, 2001, art. 52, 1 (b)); ۳. چنانچه آیینی برای حل اختلاف وجود داشته باشد، آن را اجرا کند (ILC reports, 2001, art. 52, 2 (a)); ۴. اقدام متقابل باید متناسب با نقض صورت گرفته باشد (ILC reports, 2001, art. 51).

در واقع، همه این مراحل پیش شرط‌های اجرای اقدام متقابل است. اقدام متقابل، در برابر

۱. اینکه کدام کشور، مشمول اقدام متقابل قرار می‌گیرد، منوط به فهرستی است که وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضائیه اعلام می‌کند (ماده یک قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی).

کشوری که مصونیت ایران را نقض کرده است، در دادگاه داخلی به منصفه ظهور می‌رسد. قاضی داخلی نیز، با توجه به فهرستی که وزارت امور خارجه به آن اعلام می‌کند، در صورت شکایت اتباع ایرانی، مصونیت آن کشور را نادیده گرفته و، در صورت احراز نقض قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل و انتساب آن به دولت ذی‌ربط، علیه آن دولت رأی صادر می‌کند. در واقع، ماده یک این قانون خواسته است تکلیف به درخواست توقف نقض، ابلاغ به دولت متخلف و توسل به آیین حل و فصل اختلافات را بر عهده دستگاه دیپلماسی کشور یعنی وزارت امور خارجه بگذارد. در نتیجه این فهرست برای قاضی داخلی، اماره‌ای برای شناخت کشورهای ناقض مصونیت دولت جمهوری اسلامی ایران است.

رعایت شرط تناسب

رعایت شرط تناسب در اتخاذ اقدام متقابل بر عهده قاضی داخلی است؛ البته ممکن است گفته شود که نفس تصویب این قانون خود عمل متقابل متناسبی در پاسخ به قانون ضد تروریسم آمریکا بوده است. اما حقیقت آن است که اولاً در قانون سال ۱۳۹۰ و سلف آن یعنی قانون مصوب ۱۳۷۸ نامی از آمریکا برده نشده است و ثانیاً در مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۶ اسفند ۱۳۹۰) نه فقط مقابله با آمریکا بلکه دغدغه‌های دیگری نیز مطرح بوده است.^۱ ثالثاً، چنانچه کشور جدیدی مصونیت دولت ایران را نقض کند، آیا برای مقابله با آن نیز باید قانون جدیدی وضع کرد؟! از این رو این قانون صرفاً در مقابل کشوری خاص به تصویب نرسیده است. بنابراین در هر مورد که کشور دیگری مصونیت ایران را نادیده می‌گیرد، می‌توان در مقابل آن کشور نیز متوسل به اقدام متقابل شد. شرط تناسب در موارد مختلف این قانون به هنگام اقدام متقابل بررسی خواهد شد.

خدشه‌ناپذیر بودن برخی تعهدات بین‌المللی

اقدام متقابل مذکور در قانون صلاحیت دادگستری، برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های

۱. جلالی از نمایندگان موافق طرح، علت ضرورت تصویب این قانون را در رسیدگی به وضعیت قربانیان تروریسم، سلاح‌های شیمیایی، هزینه‌های دادرسی در دادگاه‌های خارج برای شهروندان ایرانی و ... دانست (مشروح مذاکرات مجلس، مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۰).

خارجی، اقدامی از نوع تصویب قانون است. دولتی که اقدامات متقابل انجام می‌دهد، طبق ماده ۵۰ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها، مصوب سال ۲۰۰۱، نمی‌تواند به استناد این اقدامات برخی تعهدات بین‌المللی از جمله تعهدات زیر را نقض کند:

الف) تعهد به عدم تهدید یا توسل به زور، آن‌گونه که در منشور ملل متحد آمده است؛

ب) تعهدات مربوط به حقوق بنیادین بشر؛

ج) تعهدات با ماهیت بشردوستانه که اقدامات تلافی‌جویانه (Reprisals) را منع می‌کنند؛

د) دیگر تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام؛

ه) تعهد ناشی از هرگونه آیین حل اختلافی که میان آن دولت و دولت مسئول قابل اعمال باشد؛

و) احترام به مصونیت کارکنان، اماکن، آرشیوها و اسناد دیپلماتیک و کنسولی (ILC reports,

2001, art. 50).

از میان تعهدات مذکور، سه تعهد اول مورد بحث نیست؛ زیرا، صرف تصویب قانون، نه تهدید یا توسل به زور است و نه تعهدی راجع به حقوق بنیادین بشر نقض می‌شود؛ اقدامی تلافی‌جویانه هم نیست زیرا، طبق شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، اقدام تلافی‌جویانه ناظر به توسل به زور متقابل است (ILC reports, 2001, Introduction to Chapter II of Part three, para. 3). درخواست توقف نقض و دعوت به رجوع به هرگونه آیین حل اختلاف (در صورت وجود) بر عهده وزارت امور خارجه است؛ زیرا لازمه سلب مصونیت کشور دیگر در دادگاه‌های ایران این است که نام آن کشور در فهرست اعلامی وزارت امور خارجه درج شده باشد.^۱ تنها تعهدی که درخور بررسی است تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است؛ زیرا قاضی ایرانی باید جوانب احتیاط را رعایت کند تا رأی او ناقض این اصول نباشد. احترام به اماکن دیپلماتیک در بخش‌های بعدی بررسی خواهد شد.

قواعد آمره و مصونیت دولت

آیا مصونیت دولت، قاعده آمره است؟ اگر مصونیت دولت، قاعده آمره دانسته شود، اقدام متقابل در

۱. ماده یک قانون صلاحیت دادگستری، مصوب ۱۳۹۰.

برابر آن (یعنی سلب مصونیت متقابل)، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ایران خواهد شد. اگرچه قاعده آمره برای شکل‌گیری بدو در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عام است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۷) باید دید که آیا جامعه جهانی این قاعده عام را به‌عنوان قاعده آمره شناخته است یا نه. به چند دلیل، مصونیت دولت هنوز به سطح قاعده آمره نرسیده است:

۱. در قضایای مختلفی که در دادگاه‌های داخلی کشورهای مختلف مطرح شده است، آن‌گاه که مصونیت دولت در مقابل یک قاعده آمره (به‌عنوان مثال، منع شکنجه) قرار گرفته است، هیچ‌گاه این مراجع قاعده مصونیت دولت را، ضمن اینکه قاعده عرفی به شمار رفته است، به‌عنوان قاعده آمره شناسایی نکرده‌اند؛ اگر هم در مقابل قاعده آمره‌ای چون منع شکنجه، موفق به حفظ صلابت خود شده است، علت آن شکلی بودن قاعده مصونیت دولت و ماهوی بودن قاعده منع شکنجه بوده است و از این جهت تعارضی بین این دو دیده نشده است. پرونده کاظمی و هاشمی علیه ایران^۱، پرونده بوذری علیه ایران^۲، پرونده الادسانی علیه انگلستان^۳، و نهایتاً رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت صلاحیتی دولت آلمان^۴ صحت این ادعا را تأیید می‌کند؛

۲. برای آنکه یک قاعده آمره به شمار رود، باید جامعه بین‌المللی کشورها درکل آن را قاعده آمره تلقی کند. امروزه نمی‌توان نقش دیوان بین‌المللی دادگستری را در این امر نادیده انگاشت (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹). در رأی مصونیت صلاحیتی آلمان، دیوان به این مسئله می‌پردازد که «آیا رعایت مصونیت دولت در موارد نقض قاعده آمره (منع شکنجه) ضروری است؟» دیوان در این مسئله، مصونیت دولت را قاعده معمولی حقوق بین‌الملل عرفی می‌داند که در برابر قاعده آمره قرار گرفته است و هیچ اشاره‌ای به آمره بودن یا نبودن مصونیت دولت نمی‌کند. با توجه به اینکه دیوان در صدور این رأی در مقام بیان بوده است و مصونیت دولت را قاعده آمره

1. *Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran*, Superior Court (Commercial division), Canada Province of Quebec, District of Montreal, 25 January 2011, para. 144.

2. *Bouzari v. Iran*, [2002] O. J. No. 1624, Ontario Superior Court of Justice Swinton J. May 1, 2002, paras. 40, 63.

3. *Case of Al-Adsani v. The United Kingdom*, Judgement, *ECTHR*, 21 November 2001, para. 66.

4. International Court of Justice, Reports of Judgment, Advisory Opinion and Orders, Jurisdictional Immunities of the State, (*Germany v. Italy: Greece Intervening*), Judgment of 3 February 2012, para. 97.

5. *Ibid.*, 30.

اعلام نکرده است، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این مرجع بین‌المللی نیز مصونیت دولت را قاعدهٔ آمره ندانسته است.

از سوی دیگر، دیوان آن‌گاه که بخواهد قاعده‌ای را به‌عنوان قاعدهٔ آمره شناسایی کند، گاه آشکارا آن قاعده را آمره اعلام می‌کند (مانند اعلام «منع نسل‌کشی» به‌عنوان قاعدهٔ آمره در پروندهٔ فعالیت‌های مسلحانه در کنگو) و گاه تلویحاً عباراتی چون «نقض ناپذیر» یا «بنیادی» را در مورد این قواعد به کار می‌گیرد (رنجبریان، ۱۳۸۷، ص ۲۰۸)؛ البته هیچ‌کدام از این عناوین را در مورد مصونیت دولت به کار نگرفته است.

تنها یکی از نویسندگان، ادعای آمره بودن مصونیت دولت را نموده است که البته هیچ دلیلی بر مدعای خود ارائه نکرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱).

با توجه به جوانب مذکور، اقدام متقابل کشوری که مصونیت آن در دادگاه‌های داخلی کشورهای دیگر نقض شده است، از جهت رعایت شرط عدم نقض قاعدهٔ آمره که از جمله شروط مهم در اتخاذ اقدامات متقابل است، مسئولیت آن کشور را در پی نخواهد داشت.

ابعاد اقدام متقابل در قانون صلاحیت دادگستری

حال باید دید با توجه به ملاحظات مذکور و مقررات قانون صلاحیت دادگستری، در دادگاه‌های ایران و در عمل، اقدامات متقابل به چه نحوی باید صورت گیرد. با توجه به این قانون، قاضی داخلی در چهار جایگاه باید اقدام متقابل را در نظر بگیرد: ۱. اقدام متقابل در برابر نوع اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی؛ ۲. معیار تقویم خسارات مادی و معنوی و تنبیهی زیان‌دیدگان؛ ۳. دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی؛ ۴. اقدامات اجرایی علیه اموال دولت یا مقامات یا نمایندگان یا نهادهای وابسته به دولت خارجی.

اقدام متقابل در برابر نوع اقدام و فعالیت دولت‌های خارجی

قانونگذار ایران خسارت ناشی از هرگونه فعالیت دولت خارجی را موضوع قانون صلاحیت دادگستری ایران قرار داده است و از تفکیک اعمال حاکمیتی و تصدی بحثی مطرح نکرده است. اما از آنجایی که رعایت عمل متقابل حاکم بر این ماده است، باید اذعان داشت که از نظر قانونگذار

ایران عملکرد دولت ناقض مصونیت موردنظر است؛ البته قانونگذار ایران، آن دسته از فعالیت‌های دولت خارجی که «... مغایر با حقوق بین‌الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌گردد...»^۱ و همچنین «... اقدام و یا فعالیت اشخاص یا گروه‌های وحشت‌افکن (تروریستی)»^۲ را به‌طور خاص در این قانون مدنظر قرار داده است. اگر دولت خارجی مصونیت ایران را، چه در اعمال تصدی و چه حاکمیتی، نادیده بگیرد، دادگاه ایرانی نیز خسارات ناشی از آن اعمال را بررسی خواهد کرد.

عبارت «اقدام مغایر با حقوق بین‌الملل» به این قانون هم انعطاف و هم عمومیت بخشیده است؛ به‌طوری‌که چنانچه در آینده دولت ایالات متحده آمریکا بخواهد اقدامات دیگری (مثلاً شکنجه) را در فهرست نقض مصونیت دولت ایران بگنجانند، بدون اینکه نیاز به اصلاح این قانون باشد، می‌توان نسبت به آن اقدامات جدید هم اقدام متقابل انجام داد. بنابراین اعمال صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به دعاوی اشخاص حقیقی و حقوقی علیه دولت‌های خارجی که مصونیت قضایی ایران را نقض می‌کنند، لازم نیست دقیقاً منطبق با مواردی باشد که مصونیت قضایی ایران در دادگاه‌های خارجی به همان دلیل سلب شود. قانونگذار ایران، نقض قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل را، در مواردی که منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیان مالی اشخاص می‌شود، به‌صورت مطلق و صرف‌نظر از مبنای نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های آن کشور خارجی در نظر گرفته است و این امر علی‌الظاهر مغایرتی با اصل تناسب ندارد.

در رابطه با اقدام مغایر با حقوق بین‌الملل در قوانین داخلی و نحوه احراز آن قانونی وجود ندارد (البته به‌استثنای مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد؛ چرا که در حکم قانون است)^۳ و این مسئله اصولاً در صلاحیت دادگاه‌های داخلی نیست؛ هرچند در بند اول ماده یک، مسئله «... خسارات ناشی از هرگونه فعالیت...» مطرح شده

۱. بند (الف) ماده یک قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۳۹۰.

۲. بند (ب) ماده یک قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۳۹۰.

۳. ماده ۹ قانون مدنی ایران.

است و نه خود این فعالیت‌ها؛ اما قاضی پیش از صدور حکم نسبت به خسارات باید موضوع را، که همان فعالیت‌ها باشد، احراز کند (ظاهری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸).

اقدام متقابل در میزان تقویم خسارات مادی و معنوی و تنبیهی به نفع زیان دیدگان

خسارت مادی و معنوی مفاهیمی شناخته شده در حقوق داخلی است. لذا برای جلوگیری از اطاله کلام از بحث در مورد این نوع خسارت پرهیز می‌شود. لیکن خسارات تنبیهی برای اولین بار در قانون صلاحیت دادگستری سال ۱۳۷۸ وارد ادبیات حقوقی ایران شد.

خسارت تنبیهی بر طبق نظر دیوان عالی آمریکا در قضیه *Gertz v. Robert Welch, Inc.* این گونه تعریف شده است:

«خسارات تنبیهی دارای ماهیت ترمیمی نیستند. در مقابل آن‌ها جریمه‌های خصوصی هستند که هیئت منصفه دادگاه‌های مدنی به منظور تنبیه (یا مجازات) رفتار قابل سرزنش خواننده و جلوگیری از تکرار آن رفتار در آینده توسط خواننده و دیگران مقرر می‌کند... به طور کلی، دست هیئت منصفه در برآورد خسارت‌های تنبیهی به مبلغ نامعینی باز است. در محاسبه این خسارات هیچ ضرورتی مبنی بر تناسب داشتن خسارات تنبیهی با خسارات واقعی وارد شده وجود ندارد» (عبداللهی، ۱۳۸۳، صص ۹۴-۹۵).

به عقیده برخی، صدور حکم به پرداخت خسارت تنبیهی، در حقوق داخلی ایران، مبنای قانونی ندارد (تقی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۲). این محققان سعی می‌کنند نهادهای مشابه مانند وجه التزام یا دیه یا جریمه اجبار را پیشنهاد کنند. اما اشکال این نظر آن است که توجهی به متقابل بودن صدور اقدامات تنبیهی نشده است؛ زیرا «متقابل بودن امکان صدور خسارت‌های تنبیهی نشان‌دهنده این واقعیت است که دولت جمهوری اسلامی ایران، قائل به مشروعیت صدور خسارت تنبیهی نبوده و نظام حقوقی ایران، پذیرای اصول چنین مفهومی نمی‌باشد» (عبداللهی، ۱۳۸۳، صص ۸۹). تصویب قانون صلاحیت دادگستری نیز به معنی پذیرش این نوع خسارات در حقوق داخلی ایران نیست. ولی می‌توان گفت که حقوق ایران، خسارت تنبیهی را حداقل در بُعد حقوق مدنی بین‌المللی آن پذیرفته است (ندرته کلوانق، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸).

با توجه به اینکه ماده ۴ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی اشعار می‌دارد «با توجه به اصل عمل متقابل، میزان در تقویم خسارات مادی، معنوی و تنبیهی زیان‌دیدگان، مشابه احکام صادره از دادگاه خارجی است»، اولین سؤالی که مطرح می‌شود این است که منظور از «مشابه» که در ماده آمده است، چیست.

در پاسخ باید گفت که بعید به نظر می‌رسد منظور از تشابه در تقویم خسارات عیناً همان میزان خسارت و نه نوع و ماهیت خسارتی باشد که دادگاه خارجی علیه ایران صادر کرده باشد؛ بلکه، به قرینه اصل عمل متقابل که در صدر ماده آمده است و با توجه به روح قانون که ضوابط و مقررات حقوق بین‌الملل را مدنظر دارد، باید اذعان داشت که منظور همان شرط تناسب است که در ماده ۵۱ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت به آن اشاره شده است. لزومی هم ندارد که میزان خسارت تعیین شده دقیقاً شبیه خسارت تعیین‌شده دادگاه خارجی باشد؛ چراکه با توجه به قضیه خدمات هوایی تناسب به صورت تقریبی محاسبه می‌شود (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

از این رو قاضی ایرانی حتی در مورد خساراتی که در این قانون به آن اشاره نشده اما در حقوق ایران پذیرفته شده است نیز می‌تواند حکم صادر کند، مانند خسارت عدم‌النفع در مورد منافع ممکن‌الحصول^۱.

اقدام متقابل در دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی

طبق ماده ۷ قانون صلاحیت دادگستری ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، «دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی با

۱. در این خصوص، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ اشعار می‌دارد «شاکمی می‌تواند جبران تمام ضرروزیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول را مطالبه کند؛ ضمن اینکه در کامن‌لا، خسارت عدم‌النفع، جزو خسارات مورد انتظار قرار می‌گیرد و قابل مطالبه است (ره‌پیک، ۱۳۸۷، ص ۵۳). اما در آراییی که از شعب دادگاه‌های حقوقی علیه دولت خارجی (آمریکا) صادر شده است، تنها به این سه دسته از خسارات حکم داده شده است و خسارتی مانند عدم‌النفع، ذیل خسارت مادی مطرح شده است (ندرتی کلوانق، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱-۱۸۰).

رعایت اصل عمل متقابل، در صورتی قابل‌رسیدگی است که خسارات، ناشی از اقدامات موضوع این قانون باشد».

اینکه قانونگذار، در این ماده، دعاوی علیه نمایندگان یا مقامات یا نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی را با رعایت عمل متقابل قابل‌رسیدگی می‌داند، نشان‌دهنده این است که اصولاً نظریه مصونیت اشخاص نامبرده را پذیرفته است.

این ماده امکان دادخواهی علیه نمایندگان، مقامات نهادهای وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی را مطرح کرده است که با عنوان این قانون متناسب به نظر نمی‌رسد؛ البته از آنجایی که عمل متخلفانه بین‌المللی این افراد، طبق قواعد مسئولیت دولت، منتسب به دولت است، طرح دعوا علیه این افراد در واقع طرح دعوا علیه دولت آنان به شمار می‌رود. کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح پیش‌نویس مربوط به کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها نیز به این مسئله اشاره کرده است.^۱ اما این قانون هیچ تعریفی از نماینده یا نهاد وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی ارائه نمی‌دهد. برای یافتن تعریف این عبارات باید به پیشینه این قانون که در سال ۱۳۷۸ تصویب شد رجوع کرد. تصویب این قانون پاسخ به تصویب قانون مصونیت‌های دولت‌های خارجی آمریکا (FSIA) و اصلاحیه‌های بعدی آن، از جمله قانون ضد تروریسم دولتی، بود.

قانون مصونیت‌های دولت حاکم خارجی ایالات متحده (FSIA)، در ماده ۱۶۰۳، ابتدا دولت خارجی و سپس نهاد یا نماینده یا مؤسسه دولت خارجی را این‌گونه تعریف می‌کند: دولت خارجی شامل زیرمجموعه‌های سیاسی دولت خارجی یا نماینده یا مؤسسات دولت خارجی مطابق با تعریف بند b است. مطابق بند b، نهاد یا نماینده یا مؤسسه دولت خارجی عبارت‌اند از: هر موجودیتی که ۱. شخص حقوقی مجزا، شرکت یا غیر از آن است و ۲. یکی از نهادهای دولت خارجی یا زیرمجموعه‌های سیاسی آن یا اکثریت سهام‌داران آن یا دیگر منافع مالکیتی آن، از آن دولت یا زیرمجموعه‌های سیاسی آن است (FSIA, Code § 1603).^۲

۱. طرح دعوا علیه این نمایندگان در رابطه با اعمال رسمی آنان، اساساً طرح دعوا علیه دولتی است که نماینده آن محسوب می‌شوند.

دولت خارجی که از طریق نمایندگانش عمل می‌کند، مصونیت صلاحیتی دارد (بند ۲ ماده ۱۸).

۲. به‌عنوان مثال، طبق یکی از آرای دادگاه‌های آمریکا، کنسولگری دولت دیگر، دولت خارجی محسوب شده است. در

در اصول راهنمای قضات برای اعمال قانون مصونیت‌های دولت حاکم خارجی آمریکا، برای اینکه نهادی دولتی تلقی شود، سه معیار پیش‌بینی شده است. ۱. معیار فعالیت اصلی؛^۱ ۲. معیار ارتباط حداقلی؛^۲ ۳. معیار کنترل کامل^۳ (Stewart, 2013, p. 16).

قضات دادگاه‌های آمریکایی وظیفه دارند یکی از این معیارها را احراز کنند. خواهان باید ثابت کند نهادی که به او صدمه وارد کرده است وابسته یا تحت کنترل دولت خارجی بوده است. طبق رأی دادگاه بخش آمریکا، در دعوی مک‌کسون علیه ایران، این دادگاه ابراز داشت بر اساس FSIA فرض (اصل) بر آن است که نماینده یا مؤسسات دولت خارجی، موجودیت‌های جدا از یکدیگر و نیز جدا از دولت خود هستند.^۴ لذا مدعی که خلاف اصل سخن می‌گوید باید ادعای خود را ثابت کند.

باید میان مصونیت قضایی دولت خارجی با مصونیت سران دولت‌ها از یک‌سو و مصونیت کارگزاران و نمایندگان دولت از سوی دیگر تمایز قائل شد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کنگو علیه بلژیک بر این اصل کلی تأکید می‌کند که مقامات عالی‌رتبه دولتی، مانند رئیس کشور، نخست‌وزیر یا وزیر امور خارجه، همانند مأموران دیپلماتیک و کنسولی در دیگر کشورها از مصونیت کیفری و مدنی برخوردارند.^۵

مصونیت مقامات عالی‌رتبه دولت‌ها دارای دو بُعد متفاوت است: اول، مصونیت به‌واسطه انجام وظایف رسمی که چنین مصونیتی اغلب با مصونیت قضایی دولت عجین شده است و در تفاسیر

دسامبر ۲۰۱۰، دادگاه بخش شمال تگزاس در قضیه *Box v. Dallas Mexican Consulate General* در تصمیم خود بازنگری کرد. این دادگاه در تصمیم قبلی خود، سرکنسولگری مکزیکی را که در دالاس (Dallas) و تگزاس وجود داشت، نهاد حقوقی با شخصیت مستقل نهادی متعلق به دولت مکزیکی- به شمار آورده بود. دادگاه اظهار داشت که این نهاد، هم ویژگی دولت خارجی و هم ویژگی نماینده یا مؤسسه دولت خارجی را دارد. اما همین دادگاه در تصمیم جدید خود، کنسولگری یک کشور را تنها نماینده یا مؤسسه دولت خارجی به شمار آورد.

1. Core Functional Test
2. Minimum Contacts
3. Plenary Control
4. *McKesson Corporation, et al v. Islamic Republic of Iran*, United States Court of Appeals for the District of Columbia Circuit, Decided: February 28, 2012, p. 4, Sec. I, para. 1.
5. ICJ Reports 2002, Arrest Warrant of 11 April 2000 (*Democratic Republic of the Congo v. Belgium*).

کمیسیون حقوق بین‌الملل از آن به‌عنوان مصونیت به‌واسطه انجام وظایف رسمی یاد شده است؛^۱ دوم، مصونیت نه به‌واسطه انجام وظایف رسمی بلکه به لحاظ شخص خویش و فعالیت‌های شخصی خود، یعنی به‌واسطه جایگاه خاصی که در روابط بین‌الملل برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. این نوع مصونیت شامل همه اعمال رسمی و شخصی مأمور دولت می‌شود، اعم از اینکه در طی دوره تصدی سمت یا قبل از تصدی سمت باشد (Wirth, 2002, pp. 887-893).

مصونیت قضایی دولت، مصونیتی مقید به اعمال حاکمیتی است، حال آنکه سران دولت‌ها و حکومت‌ها و وزرای خارجه در حال خدمت در برابر دادگاه‌های ملی خارجی مصونیت مطلق دارند (خلف‌رضایی و عبداللهی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۱-۱۱۸).^۲

ماده ۷ قانون ایران به تفکیک فوق توجه نشان نداده است. اگر دعوا علیه مقامات عالی‌رتبه یا نمایندگان دولت به جهت انجام وظایف رسمی آن‌ها طرح شود، ضرورتاً دعوا علیه دولت متبوع تلقی می‌شود.

نکته مهمی که در ارتباط با نقض مصونیت نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی وجود دارد این است که در مقابل نقض مصونیت این نمایندگان نمی‌توان متوسل به اقدامات متقابل شد؛ زیرا قواعد حقوق دیپلماتیک، رژیم خودبسنده^۳ است که از یک سو تعهدات دولت پذیرنده را درباره تسهیلات، مزایا و مصونیت‌هایی که باید به مأموریت‌های دیپلماتیک اعطا شود مقرر می‌کند و از سوی دیگر به سوءاستفاده‌های احتمالی از آن‌ها توسط اعضای مأموریت پرداخته و روش‌ها و ابزارهایی را برای برخورد با چنین سوءاستفاده‌هایی که در اختیار دولت پذیرنده است تعیین می‌کند (Wirth, 2002, p. 86).^۴ لذا جمهوری اسلامی ایران در هنگام مواجهه شدن با نقض مصونیت

1. *YILC*, 1991, vol. II (2), Report to the General Assembly of UN on Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, Article 2, Paragraph 1 (b) (v) Commentaries 17-19.

۲. در کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها، در تعریف دولت، از نمایندگان دولت که در اهلیت دولتی عمل کرده باشند سخن گفته شده است که طبعاً مقامات عالی‌رتبه در این دسته نیز قرار می‌گیرند؛ البته مصونیت مقامات عالی‌رتبه به‌واسطه شخصیت، در چارچوب مقررات حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده است.

3. Self-contained

۴. در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی، دیوان بر این نکته تأکید کرد که «حقوق دیپلماتیک، خود ابزارهای دفاع در برابر مجازات فعالیت‌های غیرقانونی اعضای مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی را داراست» و نتیجه گرفت که نقض مصونیت‌های دیپلماتیک یا

نمایندگانش باید طبق کنوانسیون وین ۱۹۶۱، که به آن ملحق شده است، عمل کند.^۱

اقدام متقابل ناظر بر اقدامات اجرایی علیه اموال مقامات و نمایندگان و نهادهای تحت کنترل دولت خارجی

مصونیت از اقدامات اجرایی در رویه داخلی کشورها و در حقوق بین‌الملل به‌عنوان اصل پذیرفته شده است (عبداللهی و شافع، ۱۳۸۶، صص ۱۷۰-۱۷۱). مصونیت اجرایی در واقع نتیجه مصونیت قضایی است. عدم مصونیت قضایی معمولاً با عدم مصونیت اجرایی همراه است. یعنی همان‌گونه که این دو قسم از مصونیت‌ها مکمل یکدیگر است، نقض آن‌ها، خصوصاً در راستای انجام اقدام متقابل، نیز مکمل هم است زیرا اقدام متقابل با هدف وادارکردن دولت متخلف به اجرای مقررات حقوق بین‌الملل انجام می‌پذیرد. صدور حکمی که هیچ آثار خارجی دربر ندارد، طبعاً، در نیل به این هدف، موفقیت چندانی حاصل نخواهد کرد.

البته ممکن است صرفاً صدور حکم در دادگاه‌های یک کشور علیه اموال کشور دیگر (نقض مصونیت قضایی) با حفظ مصونیت اجرایی، از نقطه نظر روابط دیپلماتیک، بستر روند قضایی بین‌المللی را فراهم کند (Badr, 1984, p. 107) و البته یک مشکل نیز در اینجا به وجود می‌آید؛ اینکه هنگامی که اموال دولت خارجی در دولت مقرر دادگاه، از اقدامات قهری مصونیت داشته

کنسولی، حتی به‌عنوان اقدام متقابل در پاسخ به فعل متخلفانه بین‌المللی دولت فرستنده، قابل توجیه نیست لذا اصولاً در رژیم‌های حقوقی خودبسنده در حقوق بین‌الملل، از آنجایی که اقدامات و سازوکارهای ضروری در برابر نقض‌های احتمالی دولت‌های دیگر پیش‌بینی شده است، دست‌یازیدن به اقدامات متقابل مجاز شمرده نشده است.

۱. طبق ماده ۹ کنوانسیون وین، ایران می‌تواند دیپلمات خارجی را عنصر نامطلوب اعلام کرده، به خدمت وی پایان دهد یا طبق ماده ۱۱ این کنوانسیون، در پذیرش آنان، محدودیت‌هایی قائل شود. اما مهم‌ترین قسمت، بخش (الف) بند ۲ ماده ۴۷ این کنوانسیون است که مقرر می‌دارد: «کشور پذیرنده می‌تواند مقررات این قرارداد را به علت آنکه در خاک کشور فرستنده نسبت به مأموریت آن کشور در این مورد (رفتار تبعیض‌آمیز) محدودیت قائل شده‌اند، به‌طور محدود اجرا کند». همچنین طبق ماده ۲ کنوانسیون وین در روابط دیپلماتیک، اصولاً استقرار روابط دیپلماتیک و اعزام هیئت‌های سیاسی بر مبنای رضایت متقابل است. لذا تداوم آن نیز بر همین مبناست. از طرفی یکی از مبانی اعطای مصونیت دیپلماتیک، اصل رفتار متقابل است. چنانچه دولتی مصونیت مقامات ایرانی را نادیده بگیرد، اصل عمل متقابل از این منظر قابل توجیه است، هرچند این اصل در کنوانسیون‌های وین، صراحتاً پذیرفته نشده است؛ البته «عدم تصریح عهدنامه وین، چیزی از وجود اصل رفتار متقابل نمی‌کاهد ... باوجود این، اصل رفتار متقابل به دلیل آنکه عملاً غیرقابل‌احتراز است، در ماده ۴۷ تا حدودی پذیرفته شده است» (ذوالعین، ۱۳۷۹، ص ۲۴۲).

باشد، یافتن توجیهی برای اجرای اقدامات علیه اموال دولت بیگانه، از یافتن توجیهی برای انکار مصونیت قضایی دشوارتر خواهد بود (Badr, 1984, p. 107). طبق ماده ۸، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، «اموال متعلق به دولت یا مقامات یا نمایندگان آن یا نهادهای وابسته یا در کنترل دولت خارجی مشمول این قانون، با رعایت اصل عمل متقابل، مصون از اقدامات اجرایی نیست».

در این ماده نیز نقض مصونیت اجرایی، با رعایت اقدام متقابل، مجاز دانسته شده است و، همان گونه که در بخش پیشین بیان شد، نشان‌دهنده آن است که جمهوری اسلامی ایران خود قائل به رعایت مصونیت اجرایی است. در همین راستا ماده ۹ همین قانون استثنایی بر این استثنای خود (ماده ۸) وارد می‌کند و آن این است که «موارد مصرحه در معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران، مشمول حکم ماده (۸) این قانون نمی‌شود». از آنجایی که هدف این قانون، طبق ماده یک آن، «مقابله و جلوگیری از نقض مقررات و موازین حقوق بین‌الملل» است، این ماده، تأکید مجددی بر پایبندی ایران به تعهدات بین‌المللی است. اما در همین ماده (ماده ۸) آمده است «مگر در موارد زیر:

الف) عوایدی که از اجاره، رهن یا فروش اموال دولت خارجی حاصل می‌شود؛

ب) اموال دولت خارجی که به قصد فرار از اعمال این قانون به غیر منتقل می‌شود؛

ج) اموال مصونیت‌یافته بر اساس مقررات بین‌المللی که در دولت خارجی مشمول این قانون، موضوع اقدامات اجرایی باشد». قانونگذار ایران با ذکر این قید، دوباره از اعطای مصونیت از اقدامات قهری در موارد نامبرده عدول کرده است. این موارد، در کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۱ و کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها نیز ذکر نشده است. در اینجا نیز علت، پیشینه وضع این قانون است که در واقع به مقابله با وضع قوانین متعدد آمریکا در نقض مصونیت ایران مربوط می‌شود.^۱

۱. در ماده ۲۰۰۲ قانون حمایت از قربانیان قاچاق و خشونت امریکا (Victims of Trafficking and Violence Protection Act of 2000) مصوب سال ۲۰۰۰ در قسمت دوم از بند (ب) این ماده آمده است:

«به منظور پرداخت به‌موجب زیربخش (الف) (پرداخت‌ها) در مورد احکام صادره علیه ایران، وزیر خزانه‌داری این پرداخت‌ها را از منابع زیر پرداخت و تصفیه خواهد کرد:

الف. از عواید حاصل از اجاره اموال دیپلماتیک و کنسولی ایران که در ایالات متحده واقع شده است؛ از زمان تصویب این قانون و

بند (الف) و (ب) ماده ۹ قانون صلاحیت دادگستری، مشابه با آن دسته از قوانین آمریکاست که علیه ایران تصویب شده است. اما بند (ب) قانون ایران برای جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و فرار از اعمال این ماده نگاشته شده است؛ البته در مورد اماکن دیپلماتیک و کنسولی، محدودیت خودبسنده بودن رژیم این روابط حاکم است که باید طبق مقررات کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ در روابط دیپلماتیک و کنسولی عمل شود که در بخش پیشین بدان اشاره شد.

با اندکی تأمل و مقایسه دو قانون مذکور می‌توان دریافت که یکی از نواقص قانون صلاحیت دادگستری، مصوب سال ۱۳۹۰ همانند سلف آن، عدم تعیین ترتیبات پرداخت خسارات است؛ زیرا قانون صلاحیت دادگستری تنها به این امر بسنده کرده است که اموال متعلق به دولت یا نهادهای وابسته ... مصون از اقدامات اجرایی نیست. حال اگر کشوری در فهرست اعلامی وزارت امور خارجه قرار گیرد و اتباع ایران علیه آن کشور اقامه دعوا کنند و آن کشور در ایران اموالی نداشته باشد، صدور حکم، گرچه از نظر سیاسی، حاکی از پیام‌هایی برای دولت خوانده است، طبعاً فایده‌ای برای خواهان نخواهد داشت.

از جمله راهکارهای پیشگیری از ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت در موارد نقض مصونیت اجرایی اماکن یا اموال خارجی، اعطای معاضدت قضایی است. از این راه برای اجرای حکم می‌توان به کشوری که از نظر روابط سیاسی با دولت خوانده‌ای که در دادگاه ایران محکوم شده است، نیابت قضایی اعطا کرد. البته برای آنکه آن کشور مسئولیت نداشته باشد نباید عضو

ب. تا حدی که بیشتر از جمع مبالغ حساب برنامه فروش‌های نظامی خارجی ایران نشود، از مبالغ موجود در صندوق فروش‌های نظامی خارجی در زمان تصویب این قانون».

البته در قانون بیمه خطرات ناشی از تروریسم، در صورتی که رئیس‌جمهور در هر قضیه، انصراف از اجرای حکم را برای منفعت ملی ضروری تشخیص دهد، می‌تواند قبل از اجرای هر دستور قضایی راجع به توقیف برای اجرا یا اجرای هر مالی که موضوع کنوانسیون‌های وین در خصوص روابط دیپلماتیک و کنسولی باشد ... انصراف حاصل کند مگر در موارد: الف) آن دسته از اموال موضوع کنوانسیون‌های وین در خصوص روابط دیپلماتیک و کنسولی که توسط ایالات متحده آمریکا برای اهداف غیردیپلماتیک استفاده شده یا عواید حاصل از چنین استفاده‌ای یا ب) پول ناشی از فروش یا انتقال بهای هر مال موضوع کنوانسیون‌های وین در روابط دیپلماتیک و کنسولی به شخص ثالث. بند (ب) ماده ۲۰۱ قانون بیمه خطرات ناشی از تروریسم آمریکا، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۲:

(Terrorism Risk Insurance Act 2002).

کنوانسیون‌های وین در روابط دیپلماتیک یا کنسولی باشد. البته این امر، با توجه به عضویت اکثریت قریب به اتفاق کشورها در کنوانسیون‌های مزبور و همچنین ماهیت عرفی قواعد و مقررات حقوق دیپلماتیک و کنسولی، طبعاً دشوار به نظر می‌رسد. چنان‌که آمریکا در مصادره اموال ایران، به ایتالیا نیابت قضایی داد و اموال ایران در ایتالیا ضبط شد و با اعتراض دولت ایران روبه‌رو شد. این در حالی بود که ایتالیا عضو کنوانسیون‌های روابط دیپلماتیک و کنسولی بود.^۱

نتیجه‌گیری

دولت جمهوری اسلامی ایران، قانون صلاحیت دادگستری را برای حصول اطمینان از رعایت اصول و موازین حقوق بین‌الملل تصویب کرده است. در این راستا، راه نیل به این هدف را عمل متقابل علیه دولتی می‌داند که قوانین و مقررات را نقض می‌کند. با توجه به آنچه در این نوشتار گذشت، منظور قانونگذار از عمل متقابل همان اقدامات متقابل بر مبنای طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست. برای مبادرت به اقدامات متقابل باید کشوری که این اقدامات علیه آن صورت می‌گیرد، مقررات حقوق بین‌الملل را نقض کرده باشد. مصونیت دولت یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است که همه دولت‌ها ملزم به رعایت آن هستند. برای اجرای اقدام متقابل، در صورت نقض مصونیت دولت، لازم است دعوایی علیه دولت خارجی در دادگاه‌های ایران مطرح شود. قاضی ایرانی برای صدور حکم، صلاحیت خود را بر اساس فهرست تهیه‌شده در وزارت امور خارجه احراز می‌کند. بنابراین مراحل ابلاغ به دولت متخلف و ناقض مصونیت ایران و تعهد به حل مسالمت‌آمیز اختلافات (در صورت وجود سازوکار خاص) پیش از اتخاذ اقدامات متقابل توسط وزارت امور خارجه انجام می‌شود.

۱. ماجرای اجرای احکام در ایتالیا از این قرار است که چون دولت آمریکا حاضر نشد از محل بودجه خزانه‌داری، خسارت ادعایی خانواده قربانیان مذکور را تأمین کند، به مقامات قضایی ایتالیا نیابت قضایی، جهت مصادره اموال ایران، اعطا نمود. دادگاه استان و مقامات ایتالیایی نیز مدعی شدند که ما به ماهیت مسئله مدنی احکام صادره کاری نداریم و صرفاً به دلیل رابطه متقابل امکان اجرای احکام ایتالیا در آمریکا، درخواست تنفیذ اجرای احکام دادگاه آمریکایی رسیدگی شده و بحث سیاسی علیه دولت ایران نبوده است. (حسین محمدنهی؛ سخنرانی ماهانه کمیسیون امور بین‌الملل، اجرای احکام دادگاه‌های آمریکا در ایتالیا علیه ایران در کانون وکلای دادگستری مرکز مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۶ (Iranian Bar Association)، همچنین منتشرشده در سایت <http://tebyan.net>).

لازم نیست قاضی ایرانی، در بررسی معنای دقیق اقدام مغایر با حقوق بین‌الملل، موارد نقض مصونیت در کشورهای خارجی را بررسی کند؛ بلکه تنها کافی است که مصونیت ایران (به هر دلیلی) توسط کشور خارجی نقض شده باشد که بررسی این مورد به عهده وزارت امور خارجه است و باید به قوه قضائیه اعلام شود. قاضی نیز از روی فهرست اعلامی وزارت امور خارجه مجاز است علیه آن کشورها حکم صادر کند. در ضمن، دولتی که علیه آن می‌توان در ایران اقامه دعوا کرد، هر کشوری است که مصونیت ایران را نقض کند و این محدود به کشور خاصی (فرضاً آمریکا) نیست.

اما دعوا علیه مقامات عالی‌رتبه به جهت اعمال شخصی و نه وظایف رسمی، مستقل از دعوا علیه دولت محسوب می‌شود و لذا در چارچوب اقدام متقابل، دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی به این دعاوی خواهند بود. اتخاذ اقدام متقابل در طرح دعوا علیه نمایندگان دیگر کشورها از حساسیت بسیاری برخوردار است. با توجه به اینکه بر روابط دیپلماتیک و کنسولی رژیم خودبسنده حاکم است، تنها باید طبق کنوانسیون‌های مربوط به آن اقدام کرد.

در صدور حکم به خسارات مادی و معنوی، نادیده‌گرفتن حقوق داخلی و توجه به میزان آن در احکام خارجی منعی ندارد. همچنین در صدور حکم به خسارت تنبیهی با توجه به عدم پیش‌بینی این دسته از خسارات در حقوق داخلی، نیازی به یافتن معادل برای آن‌ها نیست، بلکه با توجه به احکام مشابه خارجی و با توجه به متقابل بودن صدور این دسته از احکام، قاضی ایرانی می‌تواند مستقیماً حکم به خسارت تنبیهی صادر کند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۲). *اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی*. تهران: خرسندی.
۲. تقی‌زاده، ابراهیم؛ علی خسروی فارسانی و میثم موسی‌پور (۱۳۹۱). ماهیت و آثار «خسارت تنبیهی» در حقوق کامن‌لا با مطالعه تطبیقی. *دانش حقوق مدنی*، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۴۹-۶۰.
۳. خلف‌رضایی، حسین و محسن عبدالهی (۱۳۸۹). معادله تعارض اصل مصونیت دولت با قواعد امره حقوق بشر. *نامه مفید*، شماره ۷۹، صفحات ۱۰۱-۱۱۸.
۴. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷). پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه. *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، صفحات ۲۰۵-۲۴۸.
۵. ره‌پیک، حسن (۱۳۸۷). حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها. تهران: خرسندی.
۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: گنج دانش.
۷. ----- (۱۳۸۰). مصونیت دولت‌ها و مقامات حکومتی از دیدگاه حقوق بین‌الملل. *پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۴، بهار و تابستان.
۸. ظاهری، علیرضا (۱۳۸۳). «تحولات قاعده مصونیت دولت: تأثیر قانون صلاحیت دادگستری و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا». *دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۰، صفحات ۱۱۹-۱۷۷.
۹. *قانون بیمه خطرات ناشی از تروریسم آمریکا ۲۶ نوامبر ۲۰۰۲: Terrorism Risk Insurance Act 2002*.
۱۰. محمدنی، حسین (۱۳۸۵). *سخنرانی ماهانه کمیسیون امور بین‌الملل*. اجرای احکام دادگاه‌های آمریکا در ایتالیا علیه ایران در کانون وکلای دادگستری مرکز مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۶ (Iranian Bar Association)، همچنین منتشر شده در تارنمای <http://tebyan.net>.
۱۱. مذاکرات مجلس، مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۰.
۱۲. نصیری، محمد (۱۳۷۲). *حقوق بین‌الملل خصوصی* (کلیات، تابعیت، اقامتگاه)، وضع اتباع بیگانه و تعارض قوانین و دادگاه‌ها. تهران: آگه.

۱۳. ندرتی کلوانق، اصغر (۱۳۸۶). *مطالعه تطبیقی خسارت تنبیهی در حقوق ایران، آمریکا و آلمان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس قم دانشگاه تهران، خرداد.

14. Badr, Gamal Moursi (1984), *State Immunity: An Analytical and Prognostic View*, Springer-Science, Business Media, B. V.
15. Bankas, Ernest K.(2005), *The State Immunity Controversy in International Law Private Suits against Sovereign State in Domestic Courts*, Berlin, Heidelberg, Springer.
16. *Bouzari v. Iran* (2002), O. J. No. 1624, Ontario Superior Court of Justice Swinton J. May 1.
17. Campell, Henry(1990), *Black's Law Dictionary*, 6th Edition, West Publishing Co.
18. Case of Al-Adsani v. The United kingdom(2001), Judgement, ECTHR, 21 November.
19. Foreign Sovereign Immunities Act, Public Law, 94-583, October 21, 1976, 94th, Congress.
20. ICJ Reports (2002), Arrest Warrant of 11 April 2000 (*Democratic Republic of the Congo v. Belgium*).
21. ICJ Reports of Judgment(2012), Advisory Opinion and Orders, Jurisdictional Immunities of the State, (*Germany v. Italy: Greece Intervening*), Judgment of 3 February.
22. ILC Reports(2001), Draft articles on Responsibility of State for Internationally Wrongful Acts,with commentaries.
23. *Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran (2011)*, Superior Court (Commercial Division), Canada Province of Quebec, District of Montreal, 25 January .
24. *McKesson Corporation, et al v. Islamic Republic of Iran(2012)*, United States Court of Appeals for the District of Columbia Circuit, Decided February 28.
25. Report to the General Assembly of UN on Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States and Their Property(1991), *YILC*, vol. II (2).
26. State Immunity Act 1978 of Britannia, 1978 Chapter 33, <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1978/33>.
27. Stewart, David P., (2013), "The Foreign Sovereign Immunities Act: A Guide for Judges", Federal Judicial Center, International Litigation Guide.
28. Supreme Court of Canada, *Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran*, 2014: October 10.
29. The Foreign Sovereign Immunities Act: 2010 Year in Review, Crowell & Moring LLP.
30. Wirth, Steffen (2002), "Immunity for Core Crimes? The ICJ's Judgment in the Congo v. Belgium Case", *EJIL*, vol. 13 , No. 4,.